

**A Review of Kameil Ahmadi's *a House on Water: A Comprehensive Study on about Engagement Intimacy Contract (Sighe Mahramiat) and Temporary Marriage in Iran; with Emphasis on Methodology***

Saleheh KHodadadi\*

Mohsen Badreh\*\*, Roya Poortaghi\*\*\*

**Abstract**

This article is an analytical critique of Kameil Ahmadi's *A House on Water: A Comprehensive Research on Engagement Intimacy Contract (Sighe Mahramiat) and Temporary Marriage* (2019) from a -social science viewpoint with an emphasis on the methodology. Having organized this critique generally in two dimensions, including formal and content critiques, the authors criticize the content methodologically in two parts: 1) content review; 2) methodological. The first part counts the problem, which finds according to general method logics, and the other part concentrates on criticizing this research using respectively qualitative and quantitative methodological criteria. Form and content evaluation of the book reveals that despite enjoying positive and attention-worthy aspects such as studying a challenging and common subject and spreading the domain of the study to several important cities of the country, the study lacks methodological and coherence of academic research in general and various methodological shortcomings especially in qualitative and quantitative aspects make its results be regarded as authentic

---

\* PhD Candidate of Women Studies, Woman and Family Faculty, Religions and Denominations University, Qom, Iran (Corresponding Author), S.khodadadi72@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Faculty of Social Sciences and Economics, AlZahra University, Tehran, Iran, M.badreh@alzahra.ac.ir

\*\*\* PhD Candidate of Anthropology, Anthropology Faculty, Azad Tehran Center University, Tehran, Iran, Rpoortaghi@yahoo.com

Date received: 2020-09-12, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and reliable. According to the results, the necessity of extensive studies with observing methodological principles towards temporary marriage issue has been felt.

**Keywords:** Kamil Ahmadi; Research on Engagement Intimacy Contract (Sighe Mahramiat); Temporary Marriage; Marriage in Iran; Kamil Ahmadi's *A House on Water*



پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۹۹، ۱۷۱-۱۹۴

## نقدی بر کتاب خانه‌ای بر روی آب: پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران؛ با تاکید بر روش شناسی

صالحه خدادادی\*

محسن بدره\*\*، رویا پورتقی\*\*\*

### چکیده

این مقاله نقدی تحلیلی بر کتاب *خانه‌ای بر روی آب*، پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران نوشته کامیل احمدی (۱۳۹۷) با رویکرد علم‌الاجتماعی و با تاکید بر بُعد روش‌شناسی است. نگارندگان، پس از نقد شکلی، کتاب را در دو بخش (۱) نقد محتوایی و (۲) نقد روشی بررسی کرده‌اند. بخش اول انتقاداتی را که به لحاظ منطق عمومی دانش به کتاب وارد است احصاء نموده و در بخش دیگر، نویسنده علی‌رغم استفاده از روش کیفی به عنوان روش بنیادین تلاش کرده است تا فنون روشی کیفی و کمی را توأماً برای اجرا و نگارش پژوهش خود به کار گیرد، این کتاب از هر دو بعد روشی مذکور نقد شده است. نقد شکلی و محتوایی کتاب نشان می‌دهد علیرغم برخورداری اثر از ویژگی‌های مثبت و قابل توجهی مانند مطالعه یک موضوع چالشی و مبتلابه و هم‌بند گسترده کردن میدان تحقیق در چند شهر مهم کشور، اما در مجموع، روشمندی و انسجام یک پژوهش علمی رعایت نشده و اشکالات متعدد روش‌شناختی به خصوص در ابعاد کیفی و کمی سبب می‌شود نتایج آن چندان قابل اتکا و معتبر تلقی

\* کاندیدای دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)، S.khodadadi72@yahoo.com

\*\* استادیار مطالعات زنان، عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران،

M.badreh@alzahra.ac.ir

\*\*\* کاندیدای دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ایران، Rpoortaghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

نشوند. از این رو، لزوم انجام پژوهش‌های اجتماعی متقن و گسترده با رعایت اصول روش‌شناختی در باب مسئله ازدواج موقت احساس می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** کامیل احمدی، صیغه محرمیت، ازدواج موقت، ازدواج در ایران، خانه ای بر روی آب.

## ۱. مقدمه

در این نوشتار به بررسی و نقد کتاب *خانه ای بر روی آب؛ پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران* نوشته کامیل احمدی (۱۳۹۷) از دو منظر شکلی و محتوایی می‌پردازیم. در ابتدا به تعریفی از مسئله صیغه محرمیت و ازدواج موقت نیازمندیم. در کتاب قاموس قرآن آمده است، متعه زنان را از آن جهت متعه گویند که مورد انتفاع است تا مدت معلومی، بخلاف نکاح دائم که مدت معلوم ندارد (قرشی، بی‌تا: ۲۲۶؛ به نقل از میرخانی، ۱۳۷۹، الف). طبق تعریف راغب اصفهانی متعه نکاحی است که در آن مرد شرط می‌کند که مال معلومی را به زن بدهد و این نکاح تا زمان معلومی دوام داشته باشد و چون زمان آن سپری شود بدون طلاق از هم جدا شوند (راغب، ۱۳۶۲: ۵۰۵). علامه حلی آورده است: متعه همان نکاح موقت بوده و عبارت است از اینکه مرد زنی را برای مدت معینی مانند یک روز یا یک ماه یا یک سال و یا زمانهای معینی مانند آن به تزویج خود درآورد (حلی، ۱۴۲۰: ۵۱۹). در این نکاح زن به محض انقضای اجل یا بذل مابقی مدت از جانب شوهر از زوج جدا می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، م ۱۶ و ۹). علمای فریقین اتفاق نظر دارند که نکاح متعه در زمان پیامبر (ص) و ابوبکر و مدتی از زمان خلافت عمر میان مسلمین به عنوان عملی مباح و مشروع شناخته شده و در آن اختلافی نیست اما تداوم اباحه و مشروعیت آن مورد اختلاف است. (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۲). به هر حال، ازدواج موقت در فقه امامیه و از اینرو در جوامع شیعی اثنا عشری به عنوان یک ازدواج مشروع به رسمیت شناخته شده است و برخی شیعیان در طول تاریخ اجتماعی خود آن را ممارست کرده‌اند. از آنجا که این نوع ازدواج، نسبت به ازدواج دائم سهولت‌ها و رخصت‌های بیشتری را واجد بوده و با برخی شرایط اقتصادی-اجتماعی مانند طبقه اجتماعی، فقر یا غنا و مساله‌های فرهنگ جنسی کنش متقابل داشته است، هم در افواه عامه و هم در نظر برخی از دانشوران مسئله مندی‌هایی را ایجاد کرده است. گاهی این مساله مندی در سطح بررسی‌های فقهی-حقوقی و حدود و ثغور این نوع ازدواج بوده و گاهی نیز به بررسی‌های علم

اجتماعی نیز کشیده شده است. این مساله زمانی برجسته تر می شود که ازدواج موقت به عنوان راهکاری برای مدیریت غریزه جنسی در وضعیت کنونی جامعه ایرانی طرح می شود. از جمله مطالعات اجتماعی که اخیراً در فضای دانشگاهی ایران طنین ایجاد کرده است اثر یاد شده از کامیل احمدی است که نقد آن در راستای تداوم گفتگوی دانشگاهی در باب ازدواج موقت ضروری به نظر رسید.

در ادامه به معرفی کتاب و سپس نقد شکلی آن پرداخته می شود. پس از آن، محتوای کتاب با تاکید بر بُعد روش شناختی در سه محور نقد محتوایی، نقد روش کیفی و نقد روش کمی بررسی می شود.

## ۲. معرفی کتاب

کامیل احمدی دارای مدرک کارشناسی ارشد مردم‌شناسی اجتماعی و مردم‌نگاری تصویری دارای آثاری چون، به نام سنت: پژوهشی در زمینه ختنه زنان در ایران (۱۳۹۴)، طنین سکوت پژوهشی در باب ازدواج زودهنگام دختران در ایران (۱۳۹۶) است. کتاب *خانه‌ای بر روی آب*، شامل سپاسگزاری، یادداشتی از ناشر و پیشگفتار است و محتوای مطالب کتاب نیز در چهار فصل جداگانه سامان یافته است. در نهایت نیز جمع‌بندی، راهکارها و پیشنهادهایی است که بعد از فصل نهایی کتاب به نگارش درآمده است و منابع و اعلام پایان بخش آن است. در بخش سپاسگزاری، نویسنده به شرح کوتاهی از روند جمع‌آوری داده‌های خود می‌پردازد و پیش از سپاسگزاری از افرادی که وی را در روند انجام پژوهش و اتمام کتاب یاری کرده‌اند، به ذکر سایر پژوهش‌های قبلی خود پرداخته و ذکر کرده است که ایده پژوهش فعلی از خلال پژوهش قبلی خود با موضوع ازدواج زودهنگام کودکان نشأت گرفته است.

در بخش یادداشت ناشر، وی به شرح مختصری از چگونگی تنظیم روابط انسان‌ها در جوامع متمدن، به خصوص روابط زناشویی می‌پردازد و در ادامه مبنای قانون رسمی کشور برای برقراری رابطه بین دو نفر را، ازدواج دائم و موقت نام برده و به توصیف مختصر ازدواج موقت و نقل علل موافقین و مخالفین ازدواج موقت می‌پردازد. وی معتقد است تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است، غالباً در تأیید ازدواج موقت بوده و هیچ‌کدام به‌طور جامع به این پدیده اجتماعی نپرداخته‌اند. اما پژوهش مندرج در کتاب اخیر برای نخستین بار به این پدیده در چارچوب مبانی تاریخی، دینی، حقوقی و اجتماعی بدون سوگیری و

با استفاده از روش کیفی تئوری زمینه، در سال‌های ۹۵ و ۹۶ در سه کلان شهر تهران، مشهد و اصفهان صورت گرفته است. برای مثال در صفحه ۲۵ آمده است:

ازدواج موقت هر از چندگاهی از طریق مقامات رسمی کشور، تریبون نماز جمعه و روحانیون مطرح می‌شود... تحقیقات متعددی تاکنون درباره ازدواج موقت صورت گرفته است، غالباً نگاه ارزشی به موضوع داشته‌اند. اما در این پژوهش بدون نگاه جانبدارانه و با رعایت اصل بی‌طرفی پدیده ازدواج موقت... بررسی می‌شود.

پس از یادداشت ناشر، نویسنده در پیشگفتار، تأکید کرده است که از بطن پژوهش اول خود (ختنه دختران) موضوع ازدواج کودکان را استخراج کرده است و در حین انجام پژوهش بررسی جامع ازدواج زود هنگام دریافته که باور به صیغه محرمیت، یکی از عوامل اصلی در رواج کودک همسری در ایران است (صفحه ۲۴) و در ادامه بصورت اختصار به برخی پیامدها و برخی علل مدافعین صیغه محرمیت اشاره کرده است.

**فصل اول:** در فصل اول کتاب با عنوان کلیات پژوهش، نویسنده پس از ذکر مقدمه‌ای موجز به تعریفی جامعه‌شناختی از خانواده و ازدواج پرداخته است و در خلال آن رفتارهای جنسی زنان و مردان را در فرهنگ غربی و اسلامی تشریح کرده است. در ادامه نویسنده، به توصیف موضوع ازدواج در منابع دینی و فرهنگی پرداخته و مسئله اهمیت سن در ازدواج را تبیین کرده است.

**فصل دوم:** در فصل دوم، در بخش مبانی تاریخی ازدواج موقت، سابقه آن را در اقوام و ملل مختلف ذکر و در بخش بعدی، نویسنده در مبانی دینی و فقهی ازدواج موقت، به ذکر دلایل قرآنی و روایی جواز و حرمت متعه براساس آیات و روایات و اختیارات حکومت پرداخته است. و در همین بخش، ازدواج مسیار (نوعی از ازدواج بین اهل سنت) و تشابه‌ها و تفاوت‌های آن با ازدواج موقت بر شمرده شده است (صفحات ۹۵-۱۰۰). در بخش سوم، نویسنده براساس قانون مدنی، به توضیح ارکان متعه و اثرات حقوقی آن، یعنی ارث، نفقه، انحلال و عده پرداخته و اشتراک‌ها و تفاوت‌های ازدواج موقت و دائم را ذکر کرده است و در نهایت، سه موضوع سن دختر، اذن ولی و مسئله ثبت نکاح موقت، براساس قانون مدنی را مورد بررسی قرار داده است. در بخش چهارم، بعد از ذکر مبانی تاریخی، دینی و حقوقی در سه بخش قبل، مبانی اجتماعی و روان‌شناختی ازدواج موقت را شرح داده است. نویسنده در این بخش مبانی نظری جامعه‌شناسی در مسئله ارتباط جنسی و تشکیل خانواده را براساس دیدگاه جامعه‌شناسان غربی و داخلی توضیح داده و سپس چهارنیز عشق، تأیید و

توجه اجتماعی، داشتن فرزند و نیاز اقتصادی را چهار دلیل اصلی انجام ازدواج موقت دانسته و آن‌ها را براساس یافته‌های پژوهشی خود تشریح کرده‌است. در نهایت نویسنده با ذکر پیامدهای ازدواج موقت، فصل دوم را به پایان برده‌است.

**فصل سوم:** در فصل سوم با عنوان یافته‌های میدانی، نویسنده بعد از شرح کوتاهی درباره روش پژوهش خود به توضیح شرایط علی، یعنی عوامل اقتصادی، عاطفی و جنسی پرداخته‌است. در قسمت عوامل زمینه‌ای، نویسنده دین، ساختار قانونی و اجتماعی را از عوامل زمینه‌ای دانسته و آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌است. در انتهای این فصل، پیش از اعلان یافته‌های کمی پژوهش با توضیح کنش راهبردی و پیامدهای ازدواج موقت، بطور مبسوط به نقد ازدواج موقت به لحاظ اجتماعی پرداخته‌است (صفحات ۲۰۲-۲۰۸).

**فصل چهارم:** در این فصل با عنوان جمع‌بندی، راهکار و پیشنهادات در ابتدا نویسنده به ارائه خلاصه و جمع‌بندی از پژوهش پرداخته و در همین بخش مفهوم صیغه محرمیت/ازدواج موقت در ایران (۹۷-۱۳۹۵) ارائه شده‌است. در بخش بعد راهکارها و پیشنهادهایی داده شده و در نهایت در بخش سخن پایانی، نتیجه مختصری از پژوهش یاد شده به نگارش درآمده‌است.

### ۳. نقد کتاب

این مقاله در سه بخش کتاب مذکور را مورد نقد قرار داده‌است. بعد از نقد شکلی و ظاهری کتاب به نقد محتوایی کتاب پرداخته شده‌است و نقد رویکرد و روش پژوهش نیز در این بخش آمده‌است. این نوشتار پس از نقد شکلی، بر نقد محتوایی متمرکز خواهد شد.

#### ۱,۳ نقد شکلی

این کتاب در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات شیرازه با قطع رقعی به چاپ رسیده‌است. گرچه حجم کتاب نسبتاً کم است ولی صحافی آن مرغوب نبوده و پس از چند بار ورق خوردن نسخه‌های کتاب به برگ‌هایی مجزا بدل می‌شوند. در شناسنامه کتاب، بخش مشخصات ظاهری کتاب با ۳۰۲ صفحه معرفی شده‌است در حالی که در واقع ۲۸۶ صفحه دارد. در بخش معرفی کتاب، چاپ اول ۱۳۹۸ ذکر شده‌است اما مطابق مشخصات نشر، کتاب در سال ۱۳۹۷ منتشر شده‌است. به نظر می‌رسد رنگ تیره و تصویری از دریای ناآرام در

هوایی گرفته و طوفانی طرح مناسبی برای جلد باشد. در واقع گویا طراح جلد می‌خواهد وضع بی‌ثبات چنین رابطه‌ای را نشان دهد.

### ۲,۳ نقد کلی کتاب

این مقاله نقد کتاب را در دو بخش اصلی (۱) نقد محتوایی؛ (۲) نقد روشی مورد بررسی قرار داده‌است. در بخش اول، انتقاداتی را که به لحاظ عمومی بیان شده است و در بخش دیگر نقد روش کیفی و تئوری بنیادین مورد استفاده نویسنده مطرح خواهد شد.

### ۱,۲,۳ نقد محتوایی

(۱) با توجه به عنوان کتاب، مخاطب انتظار دارد نویسنده ازدواج موقت را آنگونه که دغدغه و مساله جامعه است به بحث و بررسی گذاشته باشد. اما نویسنده، مرزی بین ازدواج کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) که با صیغه محرمیت ازدواج کرده‌اند، و ازدواج موقت که از سوی بزرگسالان انجام می‌شود نمی‌گذارد. مثلاً در صفحه ۴ می‌گوید: «کودک همسری یکی از نتایج سنتی است به نام صیغه محرمیت که بین برخی خانواده‌های ایرانی رایج است». در واقع نویسنده باید میان صیغه محرمیت و کودک همسری تفاوت قائل شود. در موارد قابل توجهی صیغه محرمیت فقط حالت صوری داشته و به رابطه جنسی منجر نمی‌شود تا کودک همسری از نتایج آن باشد، اگر چه بخشی از آن نیز احتمال دارد به کودک همسری نیز منتج شود. با توجه به اهمیت موضوع اگر قرار است صیغه محرمیت با ازدواج موقت و کودک همسری در کنار هم قرار گیرند لازم است این تفکیک انجام شود که چه تعداد از صیغه‌های محرمیت به رابطه جنسی منجر شده‌است. همچنین در چند جای کتاب از جمله صفحه ۱۵، هنگام برشمردن نتایج صیغه محرمیت، با پررنگ کردن محرمیت بین افراد کم سن و سال، به خصوص دختران، پیامدهایی را ذکر شده که فقط شامل دانش‌آموزان می‌شود، مانند، محروم شدن از ادامه تحصیل. در همین صفحه هنگام تشریح وجود رابطه جنسی در این نوع از ازدواج چنین آمده‌است: «رابطه جنسی در این نوع از ازدواج با آسیب‌های جنسی جدی به ویژه برای دختران همراه است: اولاً چون در سنین کم رخ می‌دهد...» بنابراین در پژوهش، نویسنده بارها به بررسی ازدواج موقت نه در تمام سنین و با علل مختلف بلکه بعنوان یک سنت غلط بین افراد زیر ۱۸ سال اشاره داشته‌است. در صفحه ۲۱۷ آمده‌است: «بر اساس جامعه نمونه در این تحقیق به صیغه محرمیت زیر ۱۸ سال



اشاره می‌شود.» البته نویسنده در تشریح جامعه نمونه خود در صفحه ۲۱۱ به سن خاصی اشاره نکرده است. مسئله یکی بودن ازدواج موقت و صیغه محرمیت، از نظر ناشر کتاب نیز دو امر جدا از هم نیست، به نحوی که در صفحه ۲۰، در بخش یادداشت ناشر آمده است: «در ازدواج موقت یا همان صیغه محرمیت، رضایت زن و مرد...». بنابراین ناشر کتاب نیز بر یکی بودن این دو عنوان، صحه گذاشته است. با توجه به پژوهش قبلی نویسنده، یعنی ازدواج زود هنگام کودکان که با عنوان *طنین سکوت*، که توسط همین ناشر منتشر شد بنظر می‌رسد، اثر و اهمیت پژوهش ازدواج کودکان در ذهن نویسنده بر روی کار فعلی وی نیز اثر گذاشته است (صفحه ۲۴)، تا آنجا که بین صیغه محرمیت که ممکن است به علت آشنایی برای ازدواج دائم (مثلا برای تسهیل رفت و آمد افراد نامحرم خانواده با یکدیگر) و ازدواج موقت، بعنوان رابطه‌ای مدت‌دار مشروع با هر انگیزه‌ای غیر از آشنایی برای ازدواج دائم، وجه تمایزی قائل نشود و در قسمت‌های مختلف کتاب برای اثبات وجود پیامدهای متعده بارها به تاثیر آن در بروز کودک همسری اشاره می‌شود و به پیامدهای آن روی سایر سنین و اقشار جامعه به غیر از صفحات ۲۰۲ تا ۲۰۶ و صفحات ۲۰۸ تا ۲۱۰ پرداخته نمی‌شود. نویسنده در صفحه ۲۱۶، آورده است:

به دلیل وجود هنجارهای سنتی و فرهنگ مردسالاری... به این نوع ازدواج ابزاری برای تنظیم رفتار جنسی فرزندان نگاه می‌شود و صیغه محرمیت با توجه به دیدگاه مراجع تقلید، همان نکاح موقت بین کودکان و نوجوانان است، اگرچه این صیغه برای افراد با سنین بالاتر نیز جاری می‌شود.

شاهد مدعا برای اثبات تاثیر پژوهش قبل بر روی پژوهش فعلی، علاوه بر تکرار چند باره موضوع، اشاره به مضرات ازدواج کودکان در طول کتاب است، نویسنده در صفحه ۲۴ اذعان داشته است که حین انجام پژوهش بررسی *جامع ازدواج زودهنگام در ایران* صیغه محرمیت را بعنوان یکی از عوامل اصلی در ازدواج کودک همسری در ایران قلمداد کرده در حالی که به نظر نمی‌رسد از عوامل اصلی آن باشد.

۲) نویسنده معتقد است که مهم‌ترین پیامد کودک همسری، ترک تحصیل دانش‌آموزان، به‌ویژه دختران است (صفحه ۲۵). اما مشخص نکرده که آیا دختران مورد مصاحبه وی پیش از صیغه شدن در حال تحصیل یا مصمم به ادامه تحصیل بودند یا خیر و یا اینکه در صورت ازدواج نکردن امکان عملی ادامه تحصیل را داشته‌اند یا خیر. بنابراین این نقد وارد است که

شاید این افراد به علل مختلفی از جمله دوری راه، نبود مدرس هم‌جنس و یا نشان دادن بی‌علاقگی به تحصیل امکان ادامه تحصیل نداشته‌اند.

۳) در صفحه ۳۲ در تعریف کودک همسری آمده است، هر ازدواجی که زیر سن ۱۸ سال اطلاق به وقوع بپیوندد کودک همسری نام دارد و سند این ادعای خود را مفاد کنوانسیون حقوق کودک است و در صفحه ۲۴ نیز ازدواج زیر ۱۸ سال را طبق تعریف سازمان یونسف مصداق کودک همسری است که در هر دو مورد به هیچ منبعی استناد نشده است و موضوع کودک همسری و موضوع پژوهش مقوله‌های متفاوتی هستند و الزامی ندارد که در باب متعه، موضوع کودک همسری مطرح شود.

۴) در بخش تبیین اجتماعی متعه در ایران، تحول در خانواده‌های ایرانی، هر پنج جامعه‌شناسی که به نظریه‌شان استناد شده، غیر ایرانی هستند و استفاده از نظریات غیرایرانی برای ترسیم شرایط خانواده ایرانی، خالی از اشکال نیست (صفحات ۴۶-۵۱). در بخش بررسی نظریات جامعه‌شناسی نویسنده می‌توانست به پژوهش‌های (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰) و (صادقی فسایی، ۱۳۹۱) و سایر جامعه‌شناسان ایرانی برای بومی کردن پژوهش خود استفاده کند که مغفول مانده است.

۵) در بخش سیاستگذاری‌های دینی و دولتی، نویسنده عقیده خود مبنی بر این‌که ازدواج موقت، بنا به دلایلی به عنوان راهکار حل معضلات خانواده ایرانی مورد تأیید حکومت بعد از انقلاب است را مطرح کرده است و برای اثبات آن با ذکر ممنوعیت چند همسری و ممنوعیت درج عقد موقت در عقدنامه‌ها به دستور فرح پهلوی در سال ۱۳۵۵ (بدون ذکر منبع) در صفحه ۸۵ و از آن طرف تمسک به خطبه هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۴ درباره ازدواج موقت، بعنوان راهکار جلوگیری از مفاسد اخلاقی (بدون ذکر منبع) در صفحه ۵۳، سعی در اثبات ادعا نموده است. در همین صفحه، نویسنده به پژوهشی با عنوان «ازدواج موقت و تاثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی» که از سوی دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس صورت گرفته، استناد کرده است و در ادامه برای محکم کردن ادعای خود، به آثاری از مرتضی مطهری استناد داده است که از این منبع هم، تشویق دین به انجام متعه، قابل دریافت نیست (مطهری، ۱۳۶۵: ۶۱-۷۰) چه رسد به این‌که مطلب مذکور بخواهد مؤید ادعای ایشان، یعنی ارائه متعه به عنوان راهکاری از سوی حکومت برای حل معضلات جامعه در حال گذار ایرانی باشد (صفحات ۵۱-۵۶).

۶) در صفحه ۵۹ ادعا شده است که مردانی که به متعه گرایش دارند، به طور معمول وضعیت مالی خوبی دارند اما برای ادعای خود به پژوهشی که این مدعا را بررسی نموده باشد ارجاع نشده و این مطلب با دیدگاهی که معتقد است، متعه راهکاری است برای مردانی که به علت مشکلات مالی توانمندی تشکیل خانواده و ازدواج دائم را ندارند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۷) در تعارض است. البته شاید منظور نویسنده از مردان متقاضی متعه، مردان متأهل با وضعیت مالی موجه باشد.

۷) در صفحه ۵۹، نویسنده نظریه اثر مواجهه مصرفی را مطرح کرده است که مطابق آن اگر کالایی اعتیادآور باشد، بخلاف کالای غیر اعتیادآور، مصرفش تمایل فرد را به مصرف بیشتر افزایش می‌دهد و از آن نتیجه گرفته شده است که افرادی که به رابطه جنسی اعتیاد پیدا کنند، به تکرار این عمل اقدام می‌کنند اما منبعی برای این نظریه ذکر نشده است.

۸) در صفحه ۶۰ نویسنده مدعی است که براساس تحقیقات، ازدواج موقت بین افراد مذهبی، بیشتر رواج دارد، اما ذکری از منبع تحقیقات به عمل آمده، نداشته است. در واقع عدم تفکیک بین فعل افراد سنتی و مذهبی ایرادی است که بین عامه مردم وجود دارد و در تحقیقات علمی، توقع بر این است که مرزها از یکدیگر تفکیک شوند. بنابراین نویسنده می‌بایست تعریف مشخصی از مذهبی بودن فرد در جامعه آماری خود ارائه می‌داد.

۹) در فصل دوم، در مبحث سابقه ازدواج موقت در سایر ادیان و ملل باستان، نویسنده به ذکر شواهدی از حضور مشابه ازدواج موقت در کشورهای غربی، چون، دانمارک، اسکاتلند، روم قدیم، و مبحث مبانی تاریخی ازدواج موقت آورده است. اما در بحث ازدواج موقت در ایران باستان، نویسنده تنها به ذکر رسوم و انواع ازدواج در دین زرتشت می‌پردازد که با توجه به ادوار مختلف تاریخی و دینی در ایران قبل از اسلام، استناد فقط به یک منبع دینی، آن هم بدون ذکر بازه زمانی آن، از گستردگی لازم برخوردار نیست. همچنین در بخش ازدواج موقت در زمان جاهلیت، انواع ازدواج رایج در میان عرب پیش از ورود اسلام، ذکر شده است که حاوی نکات ارزنده‌ای است، ولی به جز نکاح متعه، سایر موارد از انواع نکاح دائم است که با توجه به موضوع کتاب نیازی به ذکر این موارد دیده نمی‌شود (صفحات ۸۰ - ۸۴).

۱۰) در بخش ازدواج موقت، پیش از انقلاب اسلامی (صفحه ۸۴) و مبانی دینی و فقهی ازدواج موقت (صفحه ۸۵)، موارد مذکور در بخش استنادات مربوط به آیات و روایات در بخش‌های سیاست‌گذاری‌های دینی و دولتی (صفحه ۵۱) و نیز بخش رفتارهای جنسی و

روابط زن و مرد در فرهنگ دینی و اسلامی (صفحه ۳۸) هم آمده بودند. تکرار موارد قبلی، صرفاً با عنوانی جدید، برای یک پژوهش علمی مناسب نیست.

(۱۱) نویسنده در صفحه ۸۹ در بخش مشروعیت متعه، برای دلایل قرآنی به آیه ۲۴ سوره نساء اشاره کرده است و صرفاً با ذکر آیه، معنای آن و ذکر دو بخش کوتاه از دو تفسیر، بدون بررسی سایر تفاسیر، به همین مقدار اکتفا کرده است. در حالی که نویسنده می‌توانست به آیه ۲۵ سوره نساء، یعنی آیه ای که دلیل بر جواز متعه دانسته می‌شود اشاره و بر اساس آن به این نکته برسد که مطابق این آیه اولاً تأکید بر نکاح دائم است و با آمدن فاء تفریع قرآن در صدد پیشگیری از فساد و نفی رابطه پنهانی و حفظ پاکدامنی برای کسانی است که امکان ازدواج دائم برای آنان نیست. در واقع جهت نفی عسر و حرج فشار غریزه جنسی، ازدواج موقت را قرار داده است و با بیان «ذالک لمن خشی العنت منکم و ان تصبروا خیر لکم» اهمیت و تأکید بر ازدواج دائم روشن می‌شود. ثانیاً راه دوم مختص عسرت و اضطراب است و این یک راهکار شایع و عمومی نیست. ثالثاً در این گونه موارد اگر انسانها عفت پیشه کنند و صبر نمایند و به هوسرانی از طرق مختلف دامن نزنند بهتر است (میرخانی، ۱۳۷۹، ب). بنابراین رویکرد قرآن جواز متعه بدون در نظر گرفتن چارچوبی خاص نیست. این مسئله در بخش بعدی، یعنی بررسی دلایل روایی، در صفحه ۹۲ با ذکر روایتی در صدد جامعیت بخشی به مطالب است. اما نویسنده می‌بایست در این قسمت به بخشی از انبوه روایاتی که متعه را مذموم می‌داند و حتی در شرایطی ائمه خواهان عدم انجام آن بودند اشاره می‌کرد. روایاتی چون روایت امام رضا (ع) در کافی که می‌فرمایند:

از اصرار بر متعه امتناع کنید و سنت ازدواج را برپا دارید. با پرداختن به متعه از همسران خود غافل نشوید تا مبادا آنان از دین خدا روی گردانند و از دوستی ما منصرف شوند و بر پایه گذار متعه متعرض شوند و بر ما نفرین کنند (کافی، ۱۳۹۳: ۴۲۵).

(۱۲) در بخش تحریم متعه، نویسنده از آیات و روایات برای اثبات نسخ متعه براساس دیدگاه اهل سنت به منابعی اشاره کرده است که مناسب بود پاسخ فقهای شیعه را نیز نسبت به هریک از این موارد برای افزایش غنای مطالب خود می‌آورد (صفحه ۹۳-۹۵). علت اباحه و یا استحباب موضوع متعه که در برخی منابع شیعی وجود دارد حاوی دو نکته اساسی است، یکی آنکه این موضوع را به اعتبار مذمت آن در بین اهل سنت از ضروریات مذهب شیعه به شمار آورده‌اند و مطلب دوم اینکه از ورود هرگونه افراط و تفریط پیشگیری کرده‌اند. برای مثال در مقاله مرزشناسی در ازدواج موقت، از صاحب جواهر در کتاب نکاح

خود در تحلیل علت تاکید بر استحباب متعه چنین نقل شده است: همانا در چنین مواضعی مباح، مستحب می‌شود بواسطه تحریم اصحاب بدعت، چنانچه اگر آنان حکمی از احکام را که در دین نیست واجب می‌دانستند آن حکم مکروه می‌شد. برای اینکه ما باید آثار بدعت را ریشه کن سازیم (میرخانی، ۱۳۸۰). بنابراین دلیل تاکید بر استحباب موضوع مخالفت با بدعت اهل سنت است و حکم اولی استحباب نیست.

(۱۳) نویسنده در توضیح ازدواج مسیار (صفحه ۹۵-۱۰۰)، بعد از شرح این نوع ازدواج بین اهل سنت به تفاوت‌های نکاح مسیار و متعه می‌پردازد که نکات حائز اهمیتی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

(۱۴) در مبحث ازدواج موقت در حقوق ایران، بخش قانون مدنی و نکاح منقطع (صفحه ۱۰۱-۱۰۳)، نویسنده به ذکر مواد قانون مدنی مرتبط با ازدواج موقت پرداخته است، این در حالی است که ماده ۱۰۸۷ ق.م.م مرتبط به نکاح دائم است.

(۱۵) در مبحث ارکان متعه، بخش طرفین عقد (صفحه ۱۰۴)، در پایان بخش آمده اختلافات فقهی قابل توجهی در موضوع جواز یا عدم جواز ازدواج دائم یا منقطع مسلم با غیر مسلمه وجود دارد و نظر برخی از فقها را بدون ذکر منبع آمده است. یا در بخش مدت متعه (صفحه ۱۰۵)، آمده است فقهای چون شهیدثانی، معتقدند که عدم ذکر مدت معین در نکاح منقطع سبب بطلان نکاح از اساس می‌شود و حقوقدانانی چون دکتر امامی نیز بر بطلان نکاح در این صورت اعتقاد دارند اما برای این بخش و بحث احکام متعه، بخش ارث، نویسنده به نظر چند تن از فقها مبنی بر برقرار بودن توارث و یا عدم آن در نکاح منقطع اشاره داشته است، اما هیچ منبعی برای استنادات خود نیاورده است (صفحه ۱۰۶).

(۱۶) در همین مبحث، بخش نفقه، نویسنده به درستی به مواد قانونی مرتبط با موضوع اشاره کرده است، اما موضوع را با توجه به عنوان انتخاب شده، یعنی احکام متعه، به لحاظ فقهی بررسی نکرده است و این نقد در بخش‌های بعدی، یعنی انحلال متعه و عده متعه نیز برقرار است.

(۱۷) در مبحث بعد، یعنی تفاوت ازدواج موقت و دائم از نظر حقوق و شرایط از هر ده مورد تفاوت ذکر شده، هشت مورد آن در دو مبحث قبلی یعنی ارکان و احکام متعه، ذکر شده بود که به نظر با ذکر دو تفاوت باقیمانده در بخش احکام متعه، نیازی به ذکر مجدد سایر تفاوت‌ها نبوده است (صفحه ۱۰۹-۱۱۳).

۱۸) نویسنده در بحث سن دختر و اذن ولی در ازدواج موقت (صفحه ۱۱۵-۱۲۲) مسئله را کاملاً تشریح کرده است که با توجه به پژوهش قبلی نویسنده می‌توان گفت به خوبی از عهده آن برآمده است.

۱۹) با توجه به آن که ثبت نکاح موقت در سه حالت مطابق ماده ۲۹ قانون جدید حمایت خانواده الزامی است، شرط سوم یعنی ذکر مسئله به‌عنوان شرط ضمن عقد، ماده قانونی کامل بیان نشده است (صفحه ۱۲۳).

۲۰) در ادامه آمده است برخی مسئولین سیاسی، دینی از طریق رسانه‌های ملی تلاش می‌کنند ازدواج موقت را به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و امر شرعی و متعالی جایگزین روابط آزاد زنان و مردان کنند و برای اثبات ادعای خود به صحبت‌های مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور در سال ۱۳۸۶، علی مطهری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در سال ۱۳۶۹ و حجت الاسلام و المسلمین قرائتی بدون ذکر منبع استناد می‌کند. این در حالی است که ذکر دیدگاه سه نفر از مسئولین نمی‌تواند دلیلی بر این که دولتمردان و علمای مذهبی کشور در حال حاضر (تاریخ سخنرانی‌ها برای یک تا سه دهه قبل می‌باشد)، ازدواج موقت را ضرورتی کارکردی برای جامعه می‌دانند و نگاهشان به موضوع روابط زنان و مردان یک سویه و به نفع مردان باشد، بگذارد. از سوی دیگر، ذکر دیدگاه برخی از مسئولین نسبت به مسئله ازدواج موقت بدون تشریح مضرات و فواید متعه نمی‌تواند سختیتی با عنوان انتخاب شده یعنی "متعه، راهکار یا تهدید" داشته باشد.

۲۱) در بخش مبانی نظری جامعه‌شناختی در کتاب، بدون مشخص کردن موضوعی که قرار است به بررسی مبانی نظری آن از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته‌شود، در صفحه ۱۲۷، به نظریه کنش و نظریه کارکردی پارسونز بدون ذکر منبع اشاره شده است.

۲۲) در مبحث مبانی نظریه جامعه‌شناختی، نویسنده به شرحی کوتاه از نحله‌های فمینیستی پرداخته است اما دیدگاه هر گروه در ازدواج دائم و موقت به طور شفاف بیان نشده است (صفحه ۱۳۳-۱۴۱).

۲۳) در مبحث تمکین زنان به ازدواج موقت در صفحه ۱۴۱، از نیازهای جدایی‌ناپذیر زنان صحبت شده است به این‌صورت که چون ازدواج موقت بر پایه اطفای نیاز جنسی بنا نهاده شده، بسیاری از زنان بعد از پایان دوره متعه به دلیل یأس و ناکامی، دچار معضلات روانی می‌شوند. در حالی که در این بخش علل روی‌آوری زنان به ازدواج موقت صرفاً با استناد به یک منبع تشریح شده و در مبحث بعدی یعنی پیامدهای ازدواج موقت در

صفحه ۱۴۴ هم برای اثبات ادعا به منبعی اشاره نشده است و اگر پیامدهای مذکور حاصل همین پژوهش است اشاره‌ای نشده است.

۲۴) در استنادات علمی زمان اشاره به روایات از ائمه معصومین (ع) مانند سایر منابع باید ارجاعات مربوط به آنها گزارش شود تا مطالب از نظر علمی قابل دفاع شود. برای مثال در پاراگراف سوم، صفحه ۱۶۳، نویسنده مدعیست که ائمه معصومین متعه را برای جلوگیری از فحشا به شیعیان توصیه کرده‌اند و این ازدواج برای فرد ثواب دنیوی و اخروی دارد، این در حالی است که به هیچ منبعی برای اثبات ادعای خود اشاره نکرده‌اند. در صفحه ۱۶۴ نیز از آیت الله مکارم شیرازی جملاتی بیان می‌شود که بدون منبع است.

۲۵) در صفحه ۲۱۳ نویسنده برای تایید ادعای خود به هرم نیاز مازلو اشاره کرده است که فاقد منبع است. همچنین در صفحه ۲۱۳ و ۲۱۴ نویسنده به برخی عوامل اصلی ازدواج موقت بین زنان و مردان اشاره کرده است بدون آنکه به منبعی استناد کند و اگر از نتایج پژوهش است، باید به آن اشاره کند.

۲۶) در صفحه ۲۱۴ پژوهشگر بر اساس نظریه‌های انتخاب عقلانی هکتور و مبادله اجتماعی هومنز، رفتار زنان و مردان را نسبت به ازدواج موقت به اختصار توصیف کرده است در حالیکه بهتر بود قبل از آن نظریات مذکور را توضیح می‌داد.

۲۷) در صفحه ۲۱۵ آمده است اکثریت مراجع تقلید ازدواج موقت بعد از بلوغ جنسی را جایز می‌دانند. در حالی که به دیدگاه آن گروه از فقها که متعه را برای دختران باکره جایز نمی‌دانند و یا نظر قول مشهور که آن را مکروه و منوط به شرط عدم دخول می‌دانند، اشاره نشده است. (ایمانی راد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۵؛ مهریزی، ۱۳۹۲: ۴۵۰-۴۶۶؛ هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۱۰؛ نورمان کلوموروتزی Norman Kelomorotzi، ۱۳۸۶: ۶۶). همچنین در ادامه به دیدگاه آیت الله صانعی به متعه به عنوان عامل فروپاشی خانواده بدون ذکر منبع اشاره شده است.

۲۸) در صفحه ۲۲۲، پژوهشگر آورده است که برای زنان بسیار ناگوار است که آنها را فقط برای مسائل جنسی بخواهند. ادعای فوق علی‌رغم مقبولیت بین عامه بهتر است در قالب پژوهش علمی به اثبات برسد.

۲۹) در صفحه ۲۲۶، آمده است برخی مراجع تقلید در قبال موضوع عدم انجام فسخ نکاح موقت، مراجعه به دادگاه خانواده را به زنان پیشنهاد می‌کنند و برای آن منبعی داده نشده است.

۳۰) نمودار شماره ۱۰، در صفحه ۲۲۷، توزیع درصد فراوانی پاسخگویان زن در زمینه تجربه خشونت در ازدواج موقت را نشان می‌دهد. این در حالیست که نوع خشونت مشخص نشده و نیز منظور از خشونت زیاد، متوسط و کم باید مشخص می‌شد. همچنین در ادامه همین بخش آمده است که زنان قربانی خشونت به دلایل مختلف مشکل پیش آمده را از طریق مراجع قضایی پیگیری نمی‌کنند اما منبعی برای دلایل مذکور مشخص نشده است. در صفحه ۲۳۱ نیز شماره نمودار ترسیم شده مجدد شماره ۱۰ است. مشکل یاد شده برای نمودارهای شماره ۸ و ۹ نیز وجود دارد. بدین صورت که در صفحات ۲۲۴ و ۲۲۹ شماره نمودار ۸ است و در صفحات ۲۲۵ و ۲۳۰ نیز شماره نمودار هر دو ۹ است. بنابراین با توجه به تکرار همین مشکل برای نمودار شماره ۳، در صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷، در مجموع ۴ مرتبه خطای شماره دهی برای نمودارهای کتاب وجود دارد.

### ۲،۲،۳ نقد روشی

خانه‌ای بر روی آب، پژوهشی است که هم از جهت روش و هم از جهت پردازش داده سؤالات زیادی را برای خواننده ایجاد می‌کند. اسم کتاب با نام فیلم سینمایی بهمن فرمان‌آرا فیلمی با این نام با موضوعی مرتبط به روابط جنسی یکی است. با خواندن کتاب متوجه می‌شویم پژوهشگر بدون اشاره به پیشینه پژوهشی کار را شروع کرده است.

خیال خامی است که تصور کنیم هنوز قلمروهای پژوهشی جدیدی وجود دارند که تاکنون چیزی درباره شان منتشر نشده است... در ابتدای قرن بیست و یکم، پس از یکصد سال تحقیق اجتماعی و چندین دهه کشف مجدد تحقیق کیفی، یافتن یک حوزه به کلی ناشناخته بیش از پیش دشوار است (فلیک، ۱۳۹۴: ۶۴).

در مرحله دوم این سؤال پیش می‌آید آیا روشی که برای چنین موضوعی اتخاذ شده است بهترین روش است. روش این پژوهش کیفی است و چارچوب نظری مورد نظر تفسیرگرایی است. در مبانی نظری از نظریه پردازانی چون پارسونز و کلودلوی استروس... و نظریه‌هایی چون فمینیسم و انواعش نام برده می‌شود که می‌تواند مناسب‌تر از تفسیرگرایی به عنوان روشی به کار برده شده برای بخش کیفی باشد (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۶۰) (هومن، ۱۳۹۳: ۵۳-۸۰) برای مثال در صفحه ۱۴۷، می‌خوانیم این پژوهش در چارچوب دیدگاه تفسیرگرایی و رویکرد روش شناختی کیفی با استفاده از روش نظریه داده



بنیاد انجام شده است. در حالی که در مبانی نظری آمده در فصل دوم از نظریه های دیگری غیر از تفسیرگرایی استفاده شده است.

در بحث روش به نظر می‌رسد این پژوهش به شدت نیازمند یک اتنوگرافی منسجم است، زیرا در هر تحقیق کیفی پرداختن به چیستی موضوع بسیار اهمیت دارد تا هم افراد مورد مطالعه مشخص شوند و هم مشاهدات پژوهشگر به مثابه یک متن مستند برای مخاطبین قابل رؤیت باشد. متن در تحقیق کیفی سه کاربرد دارد: نه تنها داده‌های اصلی تحقیق را که یافته ها بر آن متکی اند فراهم می‌کند، بلکه اساس تفسیر داده‌ها نیز است و در عین حال وسیله و ابزار اصلی ارائه و انتقال یافته ها به شمار می‌آید. این امر نه فقط درباره هرمنوتیک عینی برنامه تبدیل جهان امن را در سرلوحه خود قرار داده، بلکه به طور کلی در خصوص روش‌های جاری در تحقیق کیفی نیز مصداق دارد. درچنین پژوهش‌هایی، مصاحبه‌ها حاوی داده‌هایی هستند که به شکل متن در آمده‌اند و پس از آن است که تفسیر می‌شوند. در مشاهدات، یادداشت‌های میدانی غالباً داده های متنی را تشکیل می‌دهند، یا آنکه تحقیق از ثبت و ضبط گفت و گوها و موقعیت های طبیعی آغاز می‌شود و در ادامه به مرحله پیاده کردن متن و تفسیر آن می‌رسد. در هر حال متن محصول گرد آوری داده‌ها و ابزاری برای تفسیر است... در این فرایند متن جایگزین چیزی می‌شود که مورد مطالعه است (فلیک، ۲۳:۱۳۹۴). اما در این پژوهش به اندازه کافی به این نکات توجه نشده است.

در پژوهش هنگام معرفی برخی از مصاحبه شوندگان اطلاعات خاصی داده نمی‌شود مثل میزان تحصیلات... این در حالی است که در مورد برخی دیگر از مصاحبه شوندگان، اطلاعاتی از این دست ثبت شده است که نشانه عدم نظم در کار پژوهشی است. «در مطالعات میدانی باید شواهد پراکنده را طبقه بندی کرد تا الگوهای برای درک پیوستگی متقابل کنش های جاری در یک محیط خاص پیدا کرد» (بیکر، ۴۸:۱۳۸۵). به عنوان مثال در صفحه ۱۹۷ مصاحبه با مرد ۴۳ساله مبهم است و هیچ اشاره ای به مشکل ایشان نمی‌شود. در اکثر نمونه های مصاحبه ای عدم ورود به عمق موضوع توسط مصاحبه گر قابل رؤیت است. در صفحه ۱۴۹، مقوله بندی‌هایی چون شرایط علی مثل: عوامل اقتصادی، عوامل عاطفی و روانی، عوامل جنسی و عوامل زمینه ای مثل: دین، ساختار قانونی و حقوقی. و ساختار اجتماعی مثل: نگرش خانوادگی، عرف، نابرابری اجتماعی، تبعیض جنسیتی. کنش راهبردی مثل: متعه و رابطه ای موقت با پایانی مشخص، رابطه نابرابر جنسی، اقتصادی و عاطفی. پدیده محوری مثل: عشرت طلبی یا همدونیسیم، ازدواج زود هنگام وجود دارد. البته

بعد از این مقولات به پیامدها می‌پردازد: پیامدهایی مثل: اقتصاد لذت، فساد و روسپی‌گری در جامعه، نگرش منفی به ازدواج دائم و ترویج شک‌گرایی، تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق، کودک همسری، کودک بیوگی و توقف تحصیل کودکان، نقض حقوق و تبعیض علیه زنان. اینها همه داده‌های کیفی پژوهش بودند که به نظر می‌رسد نیاز به بازبینی دقیق دارد. پژوهشگر، اصفهان، مشهد و تهران را به عنوان زمین‌های تحقیق انتخاب می‌کند و بر مبنای آن‌ها یافته‌هایش را تنظیم می‌نماید. حال سوال این است که آیا این پژوهش در سراسر کلان‌شهرهایی چون تهران، مشهد و اصفهان انجام شده است و یک پژوهشگر برای انجام پژوهش‌های کیفی تا چه حد مجاز به انتخاب محدوده‌های وسیع پژوهشی مانند سه کلان‌شهر است؟

آنچه در نقد پژوهش مدنظر است بررسی روش پژوهش در همه مراحل گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری است. در روش‌های کیفی و ژرفانگر مشخص است که پژوهشگر در تحلیل پژوهش‌های خود به تحلیل مصاحبه‌ها از روش‌های خاص این نوع رویکرد مثلاً نظریه مبنایی بهره می‌برد و این نوع روش منجر به تولید یک نظریه در زمینه مورد مطالعه می‌شود. در چنین روش‌هایی داده‌هایی که منجر به بررسی یا ابلاغ اعداد (خاصیت پژوهش‌های کمی) می‌شود چندان مدنظر نیست و به نظر می‌رسد روش مناسب برای این پژوهش روش تحلیل تماتیک است نه روش نظریه مبنایی. در این کتاب جای خالی سوال پژوهشی هدفمند به وضوح دیده می‌شود. واضح است که پژوهش‌هایی با چنین کیفیتی، ژرفانگر، محدود و معمولاً غیر قابل تعمیم هستند. بعنوان مثال نویسنده در صفحه ۲۱۲ کتاب نموداری طراحی کرده است و با قطعیت اعداد و ارقامی را اعلام کرده است که خاص روش‌های کمی و علوم دقیقه است و چنین آمده است: «پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌هایی که در میدان تحقیق از افراد دارای تجربه ازدواج موقت، عوامل گوناگون به این نوع ازدواج استخراج شد». در حالی که این نوع درصد بندی و اعداد و ارقام، خاص روش‌های قابل تعمیم و فرضیه دار است (بیکر، ۱۳۹۲: ۲۰۱-۲۷۴) (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۸۶).

در بحث مربوط به شرایط علی (عوامل اقتصادی، عاطفی و جنسی به عنوان علل اصلی ازدواج موقت)، برای عوامل اقتصادی به عنوان مثال سه مصاحبه آورده شده است، مردی ۳۵ ساله از مشهد و زنانی ۲۷ ساله و ۳۸ ساله از تهران که این سه نمونه می‌توانند ذهن را به دلایل اقتصادی جلب کنند. اما برای مقوله بندی‌های یافته‌های یک پژوهش علمی آن هم

برای سه شهر بزرگ تهران، اصفهان و مشهد که محدوده تحقیق است کافی نیستند. در بررسی عوامل عاطفی هم با ۵ مصاحبه شونده راه به جایی نمی‌بریم.

در مصاحبه اول نیز بحث غذا دادن و غذا خوردن مردی ۳۶ ساله بدون هیچ معرفی دیگری مطرح می‌شود (صفحه ۱۵۷). در مصاحبه بعدی زنی ۲۴ ساله مسأله امنیتی دارد. در جایی دیگر مصاحبه زن ۳۸ ساله ساکن اصفهان به مسائل روانی اشاره می‌کند و موارد اشاره شده در این بخش خیلی کلی است و در روش‌های کیفی کلی گویی معنایی ندارد و باید حتما جزئیات با عمق مورد مطالعه قرار گیرند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۲۶۵؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۶۰؛ بیکر: ۱۳۹۲: ۲۷۵-۳۰۳؛ هومن، ۱۳۹۳: ۵۳-۸۰). در متونی از مصاحبه‌کلماتی به کار برده شده است که قابل فهم نیست. صفحه ۱۵۹ مصاحبه با مرد ۳۸ ساله «..هم باد و هم وزن خودت..». صرف نظر از آوانگاری که برای واژگان به کار برده شده توسط مصاحبه‌کنندگان طراحی نشده، معنی آنها نیز توضیح داده نشده است. به عنوان مثال «هم بادی» بهتر بود در پاورقی توضیح داده می‌شد. در مصاحبه با مرد ۲۸ ساله می‌خوانیم «... تأمین نباشی...» منظور از تأمین نبودن چیست؟ برای عوامل عاطفی روانی هم مثالهایی که از مصاحبه‌ها آمده است که قانع‌کننده و مکفی نیستند.

همچنین در صفحه ۱۷۱ در خط پایانی صفحه به مصاحبه‌ها و مشارکت‌کنندگان و معدود روحانیونی اشاره می‌شود که در متن جایشان خالی است و یا آنقدر کم رنگ است که برای نتیجه‌گیری کافی نیست و در بخش ساختار اجتماعی وقتی به نگرش خانوادگی پرداخته می‌شود در صفحه ۱۷۸، نویسنده چنین آورده است: «شاید یکی از دلایل افزایش ازدواج موقت، بالا رفتن سن ازدواج باشد.» بدون آن‌که برای ادعای مذکور به منبعی ارجاع داده شود.

در صفحه ۱۸۳ مصاحبه با مرد ۲۸ ساله بسیار گنگ است: «... به چیزایی اختراع می‌کنن شبیه انسان، واسه من شبیه سازی به زندگی واقعی بود...». در صفحه ۱۸۵ مصاحبه با مرد ۲۹ ساله به قدر کافی روشن نیست و نمی‌تواند مورد خوبی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها باشد. این نوع مصاحبه‌ها نشان دهنده عدم عمق مصاحبه و مشارکت پژوهشگر است. در صفحه ۱۸۶ انتهای پاراگراف اول اصلاً مشخص نیست منظور از زنان در عبارات «...بسیاری از زنان متعه شده به علت دید منفی جامعه و ترس و ...» کدام زنان است. پژوهشگر با تعدادی از زنانی که تجربه متعه شدن داشته‌اند مصاحبه کرده است که با معضل مدنظر نویسنده مواجه شدند. در واقع واژه «بسیاری»، در پژوهش‌های علمی واژه پذیرفته شده‌ای

نیست. از این دست موارد یعنی موضوع های بدون منبع و نتیجه گیری های بدون مصاحبه عمیق و بدون سؤال در سطح متن پژوهش مکررا دیده می شود.

همچنین در صفحه ۲۱۱ مشاهده می کنیم که بعد از ۱۰۰ مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری با ۲۱۶ نفر دیگر هم مصاحبه شده است تا داده‌ها به اقصای برسند. در حالی که ادامه مصاحبه بعد از رسیدن به اشباع نظری در کارهای کیفی امر شناخته شده و قابل قبولی نیست. در پژوهش زمانی که از یافته‌ها صحبت می شود به هیچ عنوان نباید از مستندات استفاده شود تا حقانیت یافته های پژوهش را با آوردن مدارکی که دال بر صحت موضوع پژوهشی هست عنوان کند. پژوهش های کیفی نه قابل تعمیم اند و نه می شود با پیش فرض با آنها مواجه شد (ایمان، غفاری نسب، ۱۳۹۱: ۵۸).

در بخش شرایط علی ازدواج موقت صفحه (۱۴۹-۱۶۲)، با بیان مستندی از پژوهش رافعی، با تحلیل بر روان شناسی زن در ازدواج موقت، یافته های پژوهش کیفی بیان می شود. اما به تحقیق سالاری فر و همکاران که بر اساس آن زنان سرپرست خانواده ای که ازدواج موقت کرده اند، وضعیت روحی، عاطفی، جنسی و جسمی بهتری از زنان مشابهی که ازدواج موقت نکرده اند، داشته اند، اشاره ای نشده است (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۴). شایان ذکر است اشاره به پژوهش مذکور به معنای تایید و یا رد آن نیست، بلکه تاکید بر لزوم بی طرفی در حین انجام پژوهش علمی است. پس اشاره به تحقیقات با نتیجه متفاوت جزء لوازم کار علمی است، بخصوص که تحقیق سالاری فر در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است و وی در مقاله خود به نتیجه تحقیق رافعی اشاره کرده است.

در صفحه ۱۵۷، جمله: «...نارضایتی زوجین و نداشتن تفاهم از دیدگاه مردان به عنوان عوامل اصلی گرایش افراد به ازدواج موقت شناسائی شده است...» از کتاب «تحلیل بر روان شناسی زن در ازدواج موقت» بدون ذکر صفحه آن آمده است. یا اطلاعاتی شبیه این گزاره در صفحه ۱۵۸، که «افرادی که دچار بحران میانسالی هستند...» و مشخص نیست که پژوهشگر طبق کدام پژوهش به چنین نتیجه ای رسیده است.

همچنین نویسنده در صفحه ۲۱۲ آورده است علاوه بر کسانی که مسئله صیغه محرمیت را تجربه کرده بودند با کارشناسان مذهبی و حقوقی، فقیهان، وکلا و دفاتر ثبت ازدواج و طلاق نیز مصاحبه کرده است اما در سرتاسر کتاب خود به جز دو مورد اشاره به متن مصاحبه با دو روحانی به هیچ داده دیگری از مصاحبه با این افراد اشاره نشده است در

حالی که با توجه به اهمیت موضوع، دیدگاه این افراد نسبت به ازدواج موقت می‌توانست در غنای علمی کتاب موثر باشد.

از آنجا که نویسنده در فصل سوم کتاب پس از توصیف روش کیفی و یافته‌های میدانی مرتبط با آن به تحلیل یافته‌های کمی پژوهش پرداخته است، بنابراین این بخش از مقاله به نقد داده‌ها و استنباط‌های کمی پژوهش می‌پردازد.

۱) با توجه به نمودار شماره ۱، باید گفت در جامعه‌ای که توصیف نیاز جنسی برای زنان تابو به حساب می‌آید ادعای تشخیص مرز بین نیاز عاطفی و جنسی در پاسخ زنان باید توسط نویسنده مشخص می‌شد. همچنین ادعای نیاز عاطفی به بیشترین نیاز برای مبادرت به انجام متعه با آمار ۸۱/۳۴٪ بین زنان با منابعی که نیاز اول زنان را اقتصادی و بعد جنسی می‌داند، در تعارض است (یاری‌نسب و همکاران، بی تا: ۳۵۳).

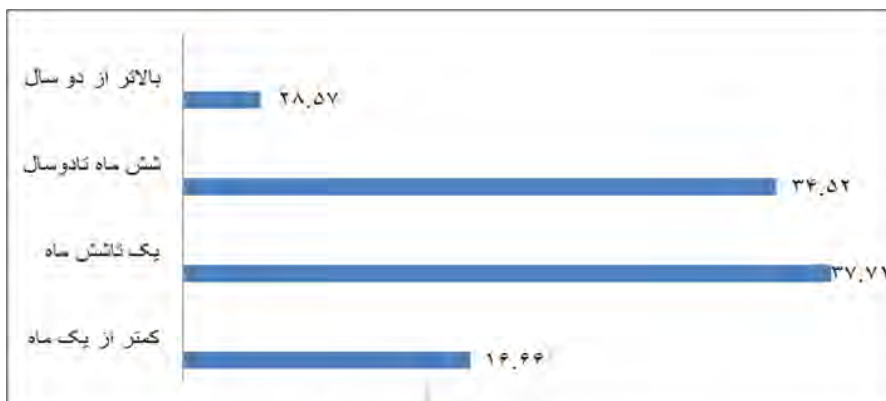
۲) در صفحه ۲۱۴، نمودار شماره ۲، توزیع درصد فراوانی پایبندی مذهبی پاسخگویان در تبیین ازدواج موقت آمده است اما نویسنده مشخص نکرده است برای سنجش مذهب مصاحبه شوندگان از چه فاکتورهایی استفاده کرده است.

۳) در نمودار شماره ۳ صفحه ۲۱۶، نویسنده درصد فراوانی پایبندی مذهبی خانواده‌های دارای پیشینه صیغه محرمیت آورده است و توضیحاتی را در ادامه ذکر کرده است. بر اساس این توضیحات و چند نمودار دیگر این نقد جدی به پژوهش وارد است که باید علت اقدام به صیغه محرمیت مشخص می‌شد. در حالی که در کتاب چنین تفکیکی صورت نگرفته است و نتایج ازدواج موقت برای آشنایی پیش از ازدواج دائم در سنین مختلف و ازدواج موقت بدون داشتن برنامه برای نکاح دائم با یکدیگر ادغام شده اند.

۴) در صفحه ۲۱۷، نویسنده به صیغه محرمیت در میان افراد با سنین بالاتر هم اشاره کرده است اما در ادامه جامعه نمونه خود را افراد زیر ۱۸ سال گرفته است. این در حالیست که نمودار شماره ۷، صفحه ۲۲۸، جامعه نمونه آمای در رده سنی زیر ۱۸ سال تا بالای ۵۰ سال است. همچنین تمام موارد ذکر شده در کتاب از مصاحبه‌های صورت گرفته مربوط به افراد بالای ۱۸ سال است. بنابراین به نظر می‌رسد، نویسنده از نتایج پژوهش ازدواج موقت در سنین بالا برای اشاره به ازدواج افراد زیر سن ۱۸ سال استفاده کرده است.

۵) در صفحه ۲۲۲، نمودار شماره ۶، نویسنده خواهان نمایش توزیع درصد فراوانی میزان مدت صیغه محرمیت در میان پاسخگویان است که جمع فراوانی‌ها برابر ۱۱۵/۴۶ است که

خطای آماری را نشان می‌دهد. همچنین در نمودار مذکور، باید تفکیک زمانی بر اساس علت اقدام به ازدواج موقت لحاظ می‌شد که مغفول مانده است.

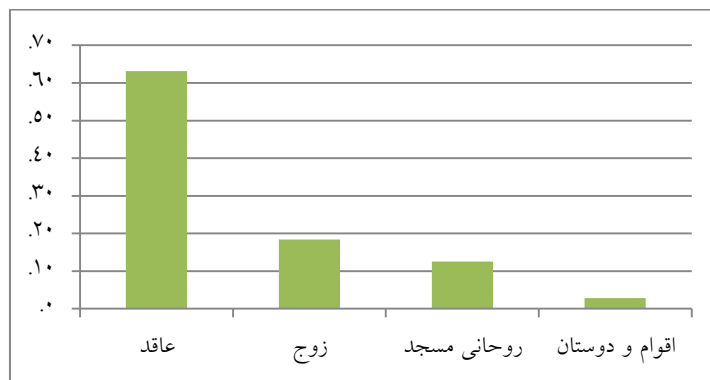


#### نمودار شماره ۶. توزیع درصد فراوانی میزان مدت صیغه در میان پاسخگویان

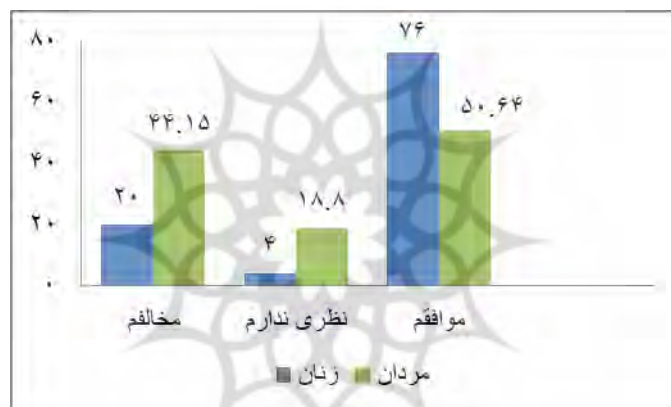
۶) در صفحه ۲۳۰، در توضیحات نمودار شماره ۸ آمده است که ۳۲٪ افراد رابطه جنسی مداوم و ۲۸٪ رابطه نزدیک بدون محدودیت اعم از سکس و سایر رفتارهای جنسی را تجربه کرده‌اند. با توجه به توضیح گروه دوم یعنی رابطه نزدیک بدون محدودیت، وجه تمایز آن با رابطه جنسی مداوم مشخص نیست.

۷) مطابق نمودار شماره ۹، در صفحه ۲۳۰، در توزیع درصد فراوانی وضعیت جاری شدن ازدواج موقت بین زوجین، ۸۱/۵۷٪ از اقدام‌کنندگان به ازدواج موقت، مسئله را حداقل با اقوام، روحانی مسجد و عاقد در میان گذاشته و آن را ثبت می‌کنند، در حالی که با توجه به نمودار شماره ۴ در صفحه ۲۱۹ که مطابق آن ۴۴٪ مردان و ۲۰٪ از زنان با اطلاع دادن موضوع به دیگران مخالف هستند. بنابراین ۸۱/۵۷٪ موافقت برای اطلاع دیگران، حاکی از موافقت اکثر زوجین در اطلاع به دیگران است اما مطابق نمودار شماره ۴، ۶۴٪ از زنان و مردان در مجموع با آگاه شدن دیگران مخالف هستند. بنابراین نتیجه نمودار شماره ۹ با نمودار شماره ۴ در تعارض است. مگر آن که اثبات شود افراد با با علنی شدن ازدواج موقت در میان دوستان و آشنایان مخالف هستند نه در میان کسانی که در جاری شدن صیغه مداخله مستقیم داشته‌اند. همچنین مجموع فراوانی درصد نظرات مردان در زمینه اطلاع دیگران از ازدواج موقت، برابر ۱۳/۵۹٪ است که اشتباه محاسباتی را نشان می‌دهد.

نقدی بر کتاب خانهای بر روی آب: پژوهشی جامع ... (صالحه خدادادی و دیگران) ۱۹۱

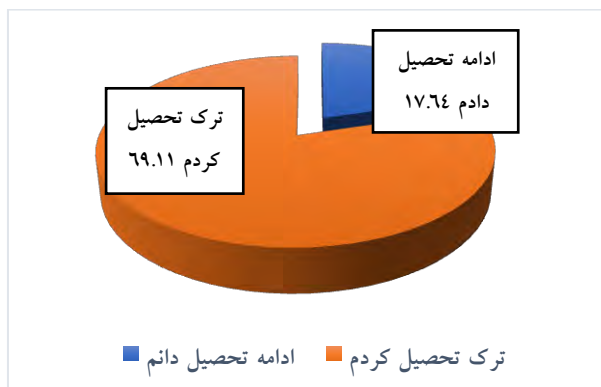


نمودار شماره ۹. توزیع درصد فراوانی وضعیت جاری شدن ازدواج موقت بین زوجین



نمودار شماره ۴. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان در زمینه اطلاع دیگران درباره ازدواج موقت

۸) جمع فراوانی نمودار شماره ۱۰ در صفحه ۲۳۱، ۸۶/۷۵٪ است که خطای آماری فاحش محسوب می‌شود.



نمودار شماره ۱۰. توزیع درصد فراوانی وضعیت تحصیلات پس از صیغه محرمیت در میان نوجوانان

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شده است کتاب خانه ای بر روی آب در دو بخش مورد نقد و بررسی قرار گیرد. پژوهشگر ادعا دارد که موضوع کتابش پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران است. او در این پژوهش در بخش محتوایی به طور ویژه به ارزیابی روش علمی، رویکرد نظری، مصاحبه ها، نمودارها، داده ها و استنباط های کمی تمرکز داشته است. نقد شکلی و محتوایی اثر نشان می دهد که پژوهشگر به موضوعی چالشی و مبتلابه پرداخته است. هم چنین گسترش میدان تحقیق در چند شهر مهم کشور مهارتی ویژه می طلبد که به نظر می رسد پژوهشگر از عهده آن برآمده است. اما علیرغم برخورداری از ویژگی های مثبت و قابل تامل در مجموع می توان گفت روشمندی و انسجام یک پژوهش علمی رعایت نشده است و اشکالات متعدد روش شناختی به خصوص در ابعاد کیفی و کمی سبب شده است که نتایج چندان قابل اتکا و معتبر تلقی نشود. بنابراین باتوجه به اهمیت موضوع نیاز به تحقیقات جامع و منسجم در چارچوب روش های کیفی متقن دیده می شود.

#### کتابنامه

آزاد ارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۰). «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران». جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۲.



نقدی بر کتاب *خانه‌ای بر روی آب: پژوهشی جامع ...* (صالحه خدادادی و دیگران) ۱۹۳

احمدی، کامیل (۱۳۹۷). *خانه‌ای بر روی آب* (پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران)، تهران: شیرازه.

ایمانی‌راد، لیلیا، وزیری‌فرد، محمدجواد (۱۳۸۸). «ماهیت متعه زن»، بانوان شیعه، شماره ۱۹.  
ایمان، محمدتقی، غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۱). «تعمیم‌پذیری و چالش‌های آن در تحقیقات کیفی»،  
عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۱.  
احمدی، خدابخش، براری، مصطفی، سیداسماعیلی، فتح‌الله (۱۳۹۰). «نگرش مردم به ازدواج موقت»، رفاه  
اجتماعی، شماره ۴۳.

بیکر، ترزال (۱۳۸۵). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نی.  
حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۳، قم: موسسه الامام الصادق (ع).  
حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.  
خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*، کتاب نکاح، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).  
راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۲). *بنوادر ترجمه محاضرات الادب*، ترجمه محمد صالح قزوینی، قم: بی‌جا.  
روستایی صدرآبادی، حمید، آیتی، سید محمدرضا (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای نکاح متعه و نکاح مسیار در  
فقه»، فقه حقوق اسلامی، شماره ۱۰.

سالاری‌فر، محمدرضا، تقوایی، داود، نجفی، مهدی (۱۳۹۵). «مقایسه سلامت عمومی و بهزیستی روان‌شناختی  
زنان سرپرست با و بدون ازدواج موقت»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۵.  
صادقی فسایی، سهیلا، ایثاری، مریم (۱۳۹۱). «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق (مطالعه کیفی)»، زن در  
توسعه و سیاست، شماره ۳.

کلینی، یعقوب بن اسحاق (۱۳۹۳). *فروع کافی*، ج ۵، قم: قدس.  
فلیک، اووه (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.  
کلاتری، عبدالحسین، صادقی، سهیلا، رضایا، صدیقه (۱۳۹۳). «مطالعه کیفی شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری  
ازدواج موقت زنان»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۴.  
کلوموروتزی، نورمان، کریمی، حمید و همکاران (۱۳۸۶). «دختران جوان ایرانی روایت‌های مدرن از  
نابرابری‌های سنتی»، بازتاب اندیشه، شماره ۹۳.  
مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). *نظام حقوق زن در اسلام*، چ ۵، تهران: نشر صدرا.

مهریزی، مهدی (۱۳۹۲). *قرآن و مسأله زن*، تهران: نشر علم.  
میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹). «مرزشناسی در ازدواج موقت»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۹.  
میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹). «مرزشناسی در ازدواج موقت»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۰.  
میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۸۰). «مرزشناسی در ازدواج موقت»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۱.  
هاشمی، سیداحمدعلی (۱۳۹۵). «نقش اذن در صحت یا بطلان نکاح در فقه و حقوق، جستارهای فقهی و  
اصولی»، سال دوم، شماره ۲.

۱۹۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۹۹

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳). راهنمای علمی پژوهش کیفی، تهران: سمت.  
یاری‌نسب، فاطمه و همکاران (بی‌تا). «نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت (مورد مطالعه: دانشگاه شهیدباهنر کرمان)»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال پنجم، شماره ۳.

